

حقوق شهروندی در چرخه دادرسی عادلانه و روش های نظارت بر حسن اجرای آن

حمیدرضا ترک زاد^۱، جواد نادری عوج بغزی^۲، سامان اوجاقلو شهابی^۳

^۱ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ طلبه دروس خارج حوزه علمیه قم، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، پردیس بین المللی ارس، ارس، ایران

^۳ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

حقوق شهروندی یکی از حقوق مقدس انسانی، طبیعی و ذاتی و جزء جدا نشدنی حیات بشری است. توقع رسیدن به جامعه ای متعال و پویا، بدون در نظر گرفتن حقوق شهروندان و تاکید بر حسن اجرای آن بس انتظاری بیهوده است؛ لذا ضرورت دارد که قانونگذار به رعایت حداکثری حقوق شهروندی و نظارت آن توجه ویژه ای داشته باشد. گر چه حمایت از حقوق شهروندی در کلیه مراحل زندگی بشر اهمیت دارد، لیکن حفظ حقوق شهروندان در چرخه دادرسی به دلیل این که فضات محاکم و ضابطان قضایی در مقام احقاق حق شهروندان هستند، از اهمیت خاصی برخوردار است. هدف مقاله حاضر، اجرای هر چه بهتر حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی، اصول نظارتی و تبیین دقیق ضمانت اجرای نقض می باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه، کیفی است. از آن جایی که حقوق شهروندی محتمل است به وسیله سایر شهروندان و یا مقامات دولتی به معنای اعم، نقض گردد؛ در این مقاله مساله نقض حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی (ضابطان، دادرسا، دادگاه و اجرای حکم) مورد بررسی قرار می گیرد.

واژه های کلیدی: شهروند، حقوق شهروندی، دادرسی عادلانه، نظارت

مقدمه

حقوق شهروندی به معنای به رسمیت شناختن اتباع یک جامعه است و عدم شناسایی این حقوق در غیر از موارد قانونی سبب ایجاد مسئولیت خواهد بود. در خصوص حقوق شهروندی در عرصه های ملی و فراملی مصوبات متعددی وجود دارد. در هر حال مساله شناسایی حقوق شهروندی هر چند واجد اهمیت است، اما موضوع اساسی تضمیناتی است که مقنن برای نقض این حقوق در نظر می گیرد. حقوق شهروندی محتمل است به وسیله سایر شهروندان و یا مقامات دولتی به معنی اعم نقض گردد، که در این پژوهش مساله نقض حقوق شهروندی در فرایند دادرسی (ضابطان، دادسرا، دادگاه و اجرای حکم) مورد بررسی قرار می گیرد.

یکی از مشکلاتی که در خصوص تبیین ضمانت اجراهای حقوق شهروندی وجود دارد این است که نقض حقوق شهروندی در حقوق ایران در پاره ای مصادیق فاقد ضمانت اجرا و در برخی موارد دارای ضمانت اجراهای مبهم و یا مجمل و در برخی مصادیق تضمینات کافی ندارد. از دیگر مشکلات مربوط به این موضوع می توان به عدم آگاهی شهروندان نسبت به ضمانت اجراهای نقض حقوق شهروندی در فرایند دادرسی و دشواری اثبات این حقوق، خصوصاً در مواردی که شهروند به عنوان متهم در این فرایند دخیل است، اشاره نمود. در مورد این که چه راه حل هایی جهت حل این مشکلات اتخاذ شده است، می توان گفت که تا کنون با تصویب قوانینی چند در خصوص حقوق شهروندی از جمله قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و نیز قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و نیز قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، سعی در تضمین و نظارت بر حقوق شهروندی شده است. واکنشی مطالعات مفیدی در خصوص حقوق شهروندی به عمل آمده است. به علاوه منشور حقوق شهروندی نیز توسط معاونت حقوقی ریاست جمهوری تهیه شده است. البته باید اذعان داشت که این راه حل ها نتوانسته است مشکلات معنون را به طور اساسی حل نماید و و در حکم مسکنی موقتی و موضعی است.

۱. چیستی و تعریف حقوق شهروندی

برای بیان ماهیت و شناسایی حقوق شهروندی، در وهله نخست باید واژه «شهروند» را مورد بررسی قرار داد. در مورد مفهوم شهروند گفته شده: «شهروند مرکب از دو کلمه (شهر) به معنای جامعه انسانی و (وند) به معنای عضو وابسته به این جامعه است. مسلم اینکه، به صرف جمع شدن افراد در مکانی خاص و تشکیل اجتماع انسانی، شهر و به تبع آن شهروند به وجود نمی آید. به عبارت دیگر، اجتماع انسانی شرط لازم شهروندی محسوب می شود، ولی شرط کافی نیست. افراد زمانی لقب شهروند به خود می گیرند که حقوق و تکالیف خود را بشناسند و به آن عمل کنند» (آبخواره و علیلو، ۱۳۹۴: ۱۸) برخی معتقدند که «شهروند به تک تک افرادی که در یک جامعه یا کشور زندگی می کنند اطلاق می شود. شهروند در این تعریف، تمام افرادی که در محدوده جغرافیایی یک کشور زیست اجتماعی دارند را شامل می شود و نیز افرادی که به عنوان تبعه در خارج از مرزهای آن کشور زیست می نمایند، شهروند تلقی می شوند.» (موسوی مقدم، ۱۳۹۰: ۲۸)

در تعریف حقوق شهروندی بین صاحب نظران این عرصه اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند: «حقوق شهروندی درواقع مجموعه حقوقی که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می باشند و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می کند، گفته می شود. بنابراین تعریف «حقوق شهروندی» یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فردی می باشد که چگونگی روابط مردم و دولت و موسسات شهری و حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر را تنظیم می نماید که منشعب از حقوق اساسی، درچارچوب قانون اساسی کشور است و به منظور رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان ها در بخش کلان جامعه است.» (قاضی پور، همان: ۷). گروهی دیگر برآنند که: «حقوق شهروندی، حقوق انسان، به دلیل زندگی در اجتماع معین است که با توجه به شرایط زمانی و مکانی می تواند متفاوت باشد.» (پروین، ۱۳۹۲: ۱۹۷) اما برخی دیگر معتقدند: «حقوق شهروندی، حقوقی

است برای اتباع کشور در رابطه با موسسات عمومی، مانند حقوق سیاسی، حق استخدام، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، حق گواهی دادن در مرجع رسمی، حق داور و مصدق واقع شدن. بنابراین واژه مذکور اعم از حقوق سیاسی است. «(آبخواره؛ علیلو، همان: ۲۴) به نظر می‌رسد در یک تعریف ساده از حقوق شهروندی می‌توان گفت: حقوق شهروندی به معنای به رسمیت شناختن اتباع یک جامعه است و عدم شناسایی این حقوق، در غیر از موارد قانونی، سبب ایجاد مسئولیت خواهد بود.

۲. جایگاه حقوق شهروندی از منظر اسلام و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

دو مفهوم در دادرسی اسلامی، عمدتاً با موضوع گسترده «عدالت اسلامی» در ارتباط است: مفهوم منزلت انسانی و مفهوم اجتماع ایمانیان یا امت. مفاهیم مذکور به مانند مفهوم عدالت، در قلب حقوق اسلامی به طور کلی و دادرسی اسلامی به طور خاص قرار دارند. علاوه بر این، هر دوی این مفاهیم ارزشهایی هستند که در عدالت ترمیمی مورد تاکید هستند. منزلت انسانی ارزشی است که در آیین دادرسی اسلامی بسیار فراگیر است. این موضوع بعضاً در گفتمان اسلامی با مفهوم غربی حقوق بشر قیاس می‌شود. منزلت انسانی، نتیجه و حاصل جامعه‌ی عادلانه و قانون عادلانه است. لازم است با اشخاص، با احترام و کرامت رفتار کرد؛ چرا که اشرف مخلوقات و جانشین خداوند بر روی زمین هستند. بنابراین، اصل برابری و مساوات ذیل مفهوم منزلت قرار می‌گیرد. (آبخواره و علیلو، همان: ۴۱)

خداوند در آیه ی ۳۲ سوره مائده می‌فرماید: «من اجل ذلك كتبنا على بني اسرائيل انه من قتل نفسا بغير نفس او فساد في الارض فكانما قتل الناس جميعاً ومن احياها فكانما احيا الناس جميعاً ولقد جاءتهم رسلنا بالبينات ثم ان كثيرا منهم بعد ذلك في الارض لمسرفون». یعنی بدین جهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هرکس، انسانی را از مرگ برهاند گویی همه مردم را زنده داشته است و به راستی که رسولان ما با دلایل روشن به سوی آنان (بنی اسرائیل) آمدند اما بسیاری از ایشان، زان پس در زمین زیاده روی کردند.

در آیه‌ی فوق حق حیات که بنا و پایه‌ی حقوق شهروندی است، مورد عنایت قرار گرفته است. پس نتیجه می‌گیریم که حقوق شهروندی در آیات قرآن هم بیان گردیده است. از طرفی در خصوص نقض حقوق شهروندی و تضمین آن در محتوای قرآنی می‌توان گفت که چون قرآن، متضمن حقوق شهروندی است و خداوند در سه جای مختلف از آن ضمانت اجرای صدور حکم برخلاف قرآن را تعیین نموده است، لذا در قرآن ضمانت اجرای نقض حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی بیان گردیده است. خداوند می‌فرماید: «ومن لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الظالمون» (سوره مائده، آیه ۴۵) و نیز فرموده اند: «ومن لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الكافرون» (سوره مائده، آیه ۴۴) و نیز فرموده است: «ومن لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الفاسقون» (آل عمران، آیه ۸۲)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، در رابطه با حقوق شهروندی بیان داشته اند: «انقلاب اسلامی مقوله شهروندی را در ایران احیا کرد. ما قبل از انقلاب اسلامی چیزی به نام حقوق شهروندی نداشتیم. آن چیزی که در ایران مطرح بود بحث ارباب، رعیت، عبد و مولا بود، نه بحث شهروندی» لذا شهروندی که ایشان مطرح می‌کنند، شهروندی کریمانه و متعالی است، که هم توجهی به حقوق انسانی آن مطرح می‌شود و هم تکالیف دینی که برای او کرامت ایجاد کرده‌اند. این مقوله‌ی دوگانه در هیچ فلسفه‌ی سیاسی در دنیای معاصر وجود ندارد. معمولاً حقوق شهروندی در فلسفه سیاسی غرب، حقوقی است که انسان‌ها به صورت قراردادی و قراردادی اجتماعی و وضعیت طبیعی در جامعه پیدا می‌کنند و هیچ حق ماورایی و حق الوهیتی که انسان‌ها را متعالی کند، آنجا دیده نشده است.

۳. حقوق شهروندی در مرحله «کشف جرم» و «تعقیب متهم»

حق متهم دارد بداند که در مرحله‌ی کشف جرم، چه حق و حقوقی دارد. باید به متهم اطمینان بدهیم که حقوق او در نظام قضایی رعایت می‌شود و نقض آن دارای ضمانت اجرای کافی است و بالاخره باید او را آگاه کنیم که اگر این حقوق مورد تعرض هر یک از عوامل و ضابطان دستگاه قضایی از جمله نیروهای پلیس قرار گرفت، برای جبران خسارات وارده و اعاده‌ی حیثیت خود چه کند و شکایت به کجا و

نزد چه مقامی برود. (رضوی- خزایی، همان: ۸۵)

ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری، یکی از اهداف تشکیل دادسرا را «کشف جرم و تعقیب متهم» اعلام داشته است، لیکن طبق ماده- ۲۸ این قانون، اقدام در خصوص کشف جرم بر عهده ضابطان دادگستری (تحت نظارت و تعلیمات دادستان) می باشد. لذا از جمع مواد یاد شده و مطابق قاعده‌ی الجمع مهما ممکن اولی من الطرح استنباط می گردد که در حقوق ایران تکلیف کشف جرم و تعقیب متهم عهده ضابطان دادگستری با نظارت و تعلیمات دادستان است. در حقوق ایران، نشر و افشای اطلاعات در مرحله‌ی کشف جرم و تعقیب متهم، ممنوع و واجد ضمانت اجراء می باشد. سازمان پلیس و سایر مقامات ذی صلاح اعم از قضایی و غیر قضایی در هر کشور دارای اختیارات و امتیازات فراوانی است. بنابراین در انجام وظایف خود به علت ارتباط مستقیم با مردم و به ناچار دست به اقداماتی می زند که درست یا نادرست از تجاوز به حریم آزادی و امنیت شهروندان سخن به میان می آید (بیاتی، ۱۳۹۰: ۲) از این رو قانونگذار به جهت حفظ حقوق شهروندان تدابیری اتخاذ نموده است که اطلاعات شخصی ایشان منتشر یا فاش نگردد. از جمله این تدابیر می توان به اصل بیست و پنجم ق.ا. و ۵۸۲، ۷۳۱، ۷۳۳ ق.م.ا. و بند ۸ ق.ا.م. اشاره نمود.

۳-۱. وضعیت حقوقی استفاده از اطلاعات گزارش حسابهای بانکی اشخاص حقیقی و حقوقی توسط حکومت:

پانزده نماینده مجلس شورای اسلامی در ۲۲ فروردین ماه ۱۳۳۳ با ارسال نامه سرگشادهای به رئیس جمهور، خواستار استفاده از اطلاعات حسابهای بانکی برای شناخت افراد برخوردار و حذف آنها از فهرست یارانه بگیران شدند. این نامه پس از تصویب تکلیف قانونی دولت برای حذف افراد پردرآمد از فهرست دریافت کنندگان یارانه نگاشته شده بود، در این شرایط، این سؤال در محافل سیاستگذار کشور مطرح شده بود که آیا حکومت میتواند برای شناسایی شهروندان نیازمند یارانه یا آن دسته از صاحبان درآمد که مالیات نمی پردازند، از اطلاعات حسابهای بانکی افراد استفاده کند؟ و آیا این کار، دخالت در حریم خصوصی مردم نیست؟

استفاده از اطلاعات گردش حسابهای بانکی برای مقاصد مالیاتی و طبعاً یارانهای امری پذیرفته شده در کشورهای با اقتصاد مبتنی بر مالیات ستانی است. به عنوان نمونه، در آمریکا، قانون تطبیق مالیات بر حسابهای خارجی، بانکهای خارج از آمریکا را موظف کرده اطلاعات حسابهای بانکی مالیات دهندگان آمریکایی (تبعه های آمریکایی یا دارندگان گرین کارت) را جمع آوری و گزارش کنند تا به صورت خودکار با اظهارنامه مالیاتی سالیانه شهروندان آمریکایی مطابقت داده شود. در اروپا نیز استفاده از اطلاعات حسابهای بانکی برای شناخت فراریان مالیاتی رایج است. با توجه به مطالعات تطبیقی و **مورد ایران، حفظ اسرار مالی و بانکی و به عبارت دیگر، عدم افشا یا استفاده از آن توسط دولت، حتی بدون کسب اجازه از صاحب حساب، نه در ایران و نه در دیگر کشورها اصل مطلق نیست.**

و بر آن استثناهایی بار شده است، میتوان استثنای دیگری بر حفظ اسرار، برای امور مالیاتی و یا مالیات منفی نظیر یارانه نیز در قانون در نظر گرفت. به نظر می رسد دامنه منافع و مصالح عمومی آنقدر دارای اهمیت است که نمی توان اصل حمایت از حریم خصوصی را به عنوان محدودیتی برای این صالحیت در نظر گرفت. اگر وجود این اطلاعات برای امر برنامه ریزی در سطح کلان لازم و ضروری است، نمیتوان دولت را از این امکان به بهانه حفظ حریم خصوصی محروم کرد.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اصل بر حفظ رازداری است که این امر در ماده (۶۴۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، به صراحت پیش بینی شده و برای آن ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده است. علاوه بر آن، مقررات متفرقه دیگر بر حفظ اسرار حرفهای تأکید کرده اند؛ برای مثال در بند (۱۰) ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی مصوب ۱۸ خردادماه ۱۳۵۱ مقرر شده است: «بانک مرکزی میتواند در اجرای وظایف خود هرگونه اطلاعات و آمار را از بانکها دریافت کند، اما موظف به حفظ اسرار حرفهای است»

از لحاظ اداری نیز این تکلیف به طرق مختلف بیان شده است: رئیس محترم قوه قضائیه در بخشنامه ۳ دیماه ۱۳۷۴ اعلام کردند: «حسابهای بانکی اشخاص از امور سرّی محسوب میشود. در این مورد دلیل کافی برای اجازه رسیدگی از طرف اینجانب وجود ندارد»

قوه مجریه نیز پیش از این در تصویب نامه شماره ۸۱-۱۱۳۸۴/م/ ت ۳۷۷۴۱/ه مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۶ هیئت وزیران، نظر خود را مبنی بر عدم افشای اطلاعات بانکی به این شرح اعلام کرده بود: «حسابهای خصوصی افراد در بانکها جزء حقوق ملت، مندرج در فصل سوم قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه اصل بیست و دوم آن است و بانکها به عنوان وکیل یا امین مشتریان موظف هستند هرگونه اطلاعات در این زمینه را فقط با درخواست صاحب حساب یا براساس استعلام یا حکم قضایی دادگاه صالح ذیربط ارائه کنند»^۱ با این حال تحت شرایط خاص و برای موضوعات ویژه، استفاده از اطلاعات بانکی در قوانین و مقررات ایران پذیرفته شده است. که به شرح ذیل می باشد:

۱- افشای اطلاعات بانکی برای نظارت نهادها و دستگاه هایی که به نوعی با حقوق مردم سروکار دارند. در یکی از بخشنامه های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (بخشنامه ۱۱۹۹ مورخ ۱۳۷۰/۴/۹) مقرر شده ارائه اطلاعات اشخاص در بانکها و موسسات اعتباری، فقط به مراجع ذیل مجاز است: دادگاه های حقوقی و کیفری، دیوان محاسبات کشور، سازمان امور مالیاتی، واحدهای تعاون ملی، بازرسان سازمان بازرسی کل کشور، وزارت اطلاعات، کمیسیون های تعزیرات حکومتی، سازمان اجتماعی و سازمان حسابرسی.

۲- استفاده از اطلاعات بانکی برای اجرای قوانین اقتصادی مسائل مربوط به پولشویی با توجه به قانون سال ۱۳۸۶ و آیین نامه اجرایی آن در سال ۱۳۸۸. در فصل سوم، نظام گزارش دهی، نحوه و سازو کار آن، اشخاص مشمول و اقدامات پیشگیرانه آن، پیش بینی شده است. در ماده ۲۵ از فصل چهارم، راجع به گزارش های الزامی، هرچند اسرار بانکی افشاء شود، تاکید شده و حتی ضمانت اجرایی در صورت ترک فعل آن نیز در نظر گرفته شده است.

۳- قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات^۲ در این قانون با رعایت شرایط خاص، ساز و کار دسترسی آزاد به اطلاعات برای هر ایرانی مقرر شده است، با این حال حفاظت از اطلاعات بانکی که جزء اطلاعات شخصی محسوب می شود (ماده «۱» بند ب) می تواند تحت شرایطی تغییر کند. چنان که در آیین نامه اجرایی این قانون مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۱ وفق بند پ ماده ۱ پیش بینی شده است که نقض حفاظت از اسرار بانکی، می تواند با توجه به حکم قانون یا مراجع قضایی صورت گیرد. موارد مذکور نشان دهنده آن است که هرجا مصالح کلی تری مثل انتظام اجتماعی و مصالح عمومی وجود دارد، موضوع دسترسی به این اطلاعات و استفاده از آنها و البته نه افشای آن به نحوی غیرقانونی، امری قابل دفاع است.

۳-۲. ممنوعیت تفتیش و بازرسی اماکن طبق یک قاعده کلی اصل ۲۵ قانون اساسی. هرگونه تجسس را ممنوع اعلام نموده است. بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون. سایر قوانین این موضوع را بسط و گسترش داده و با دیدی جزئی نگر بدان پرداخته است. با دقت در کثرت مواد استنادی در قوانین ماهوی و شکلی، اهمیت این ممنوعیت در حوزه حقوق شهروندی بیشتر جلوه می نماید. در حوزه قانون مجازات اسلامی، ماده ۵۸۰ بدین موضوع اشاره دارد.^۳ در حوزه قانون آیین دادرسی کیفری، مواد ۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۱۳۷ و

^۱ مصوب ۳۱ مرداد ماه ۱۳۸۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام

^۲ ماده ۵۸۰ ق.م.ا: « هر یک از مستخدمین و مامورین قضائی یا غیر قضائی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر این که ثابت نماید به امر یکی از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.»

۱۴۰ و ۱۴۱ و تبصره ۳ ماده ۱۸۴ بدین موضوع اشاره داشته اند.^۳

۳-۳. ممنوعیت دستگیری

یکی از حقوق مهم شخص در مظان اتهام « اصل منع دستگیری » می باشد، که این اصل در مرحله ی کشف جرم بسیار حائز اهمیت می باشد. هر چند، پلیس در جرایم مشهود یا مهم رأساً مجاز به دستگیری، نگهداری و تحقیق از شهروندان است؛ اما دستگیری و سلب آزادی از افراد، مغایر با حق آزادی و امنیت شخصی شهروندان است. (پرویزی فرد، ۱۳۹۱: ۷۵) در خصوص اصل منع دستگیری، مستنداتی همچون؛ اصل ۳۲ قانون اساسی،^۴ ماده ۴ و ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری^۵ و ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب

^۳ ماده ۴ ق.آ.د.ک: « اصل، براءت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

ماده ۵۵ ق.آ.د.ک: « ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیر مشهود با اجازه موردی مقام قضائی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد. »

ماده ۵۶ ق.آ.د.ک: « ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان های غیر مرتبط با موضوع خودداری کنند

ماده ۱۳۷ ق.آ.د.ک: « تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می شود

ماده ۱۴۰ ق.آ.د.ک: « تفتیش و بازرسی منزل در روز به عمل می آید و در صورتی هنگام شب انجام می شود که ضرورت اقتضاء کند. بازپرس دلایل ضرورت را احراز و در صورتجلسه قید می کند و در صورت امکان، خود در محل حضور می یابد. تبصره - روز از طلوع آفتاب تا غروب آن است.

ماده ۱۴۱ ق.آ.د.ک: «دستور مقام قضائی برای ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، تحت هر عنوان باید موردی باشد و موضوعی که تفتیش برای آن صورت می گیرد، زمان، دفعات ورود، اموال، اماکن و نشانی آنها به صراحت مشخص شود. ضابطان مکلفند ضمن رعایت دستورهای مقام قضائی، کیفیت تفتیش و بازرسی و نتیجه را در صورتجلسه تنظیم کرده، آن را به امضاء یا اثر انگشت متصرف برسانند و مراتب را حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت به مقام قضائی اعلام کنند. »

تبصره ۳ ماده ۱۸۴ ق.آ.د.ک: « در صورتی که متهم در منزل یا محل کار خود یا دیگری مخفی شده باشد، ضابطان باید حکم ورود به آن محل را از مقام قضائی اخذ کنند »

^۴ اصل ۳۲ ق.ا: « هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود. »

^۵ ماده ۴ ق.آ.د.ک: « اصل، براءت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند. »

ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک « بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند. تبصره- تخلف از مقررات این

ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است. »

۷۵، قابل استناد هستند.

۴. حقوق شهروندی در مرحله تحقیقات مقدماتی

۴-۱. حق طرح شکایت

حق اقامه دعوی از فروع حق دادخواهی است و در فرآیند دادرسی به عنوان یکی از تکالیف مراجع انتظامی و قضایی شناخته می شود. زیرا مراجع مذکور مکلف به دریافت شکایت بزه دیده می باشند. این حق در قانون ایران مورد تأکید قرار گرفته است. در مورد این حق قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی به ترتیب در مورد تکالیف دادسرا و ضابطان در مورد قبول شکایت و طرح دعوی مردم و ضمانت اجرای امتناع از انجام این وظیفه تأکید داشته اند.^۷

۴-۲. حق آگاهی از حقوق خود

ضابطان دادگستری تکلیف دارند که شاکی را از حقوق مرتبط به خود آگاه بنمایند. اما ماده ی ۳۸ ق.آ.د.ک. حقوق بزه دیده را به نحو خاص احصاء ننموده است و بطور کلی مقرر داشته است: «... حق درخواست جبران خسارت و بهره مندی از خدمات مشاوره ای موجود و سایر معاضدت های حقوقی ...» از طرفی طبق ماده ی شش ق.آ.د.ک.: «متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.» این ماده مقید به این نیست که اطلاع دادن حقوق به بزه دیده باید توسط ضابطان دادگستری صورت گیرد، لذا عموم و اطلاق این ماده مفید آن است که کلیه مقامات قضایی و اداری محاکم در فرآیند دادرسی کیفری ملزم به این امر می باشند.

۴-۳. حق تفهیم اتهام به متهم

از دیگر حقوق متهم در فرآیند دادرسی کیفری، این است که اتهام یا اتهامات انتسابی به او، از سوی پلیس به وی تفهیم گردد. تفهیم اتهام

^۶ ماده ۵۸۳ ق.م.ا. مصوب ۷۵: «هر کس از مقامات یا مامورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عفا در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

^۷ ماده ۱۱ ق.آ.د.ک: «تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است»

ماده ۳۷ ق.آ.د.ک: «ضابطان دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورتمجلس قید و به امضای شاکی می رسد، اگر شاکی نتواند امضاء کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورتمجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورتمجلس تصدیق می شود. ضابطان دادگستری مکلفند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند و به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند.»

ماده ۵۹۷ ق.م.ا. مصوب ۷۵ «هر یک از مقامات قضائی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آنها برده شود و با وجود این که رسیدگی به آنها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگر چه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را بر خلاف قانون به تاخیر اندازد یا بر خلاف صریح قانون رفتار کند دفعه اول از شش ماه تا یکسال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضائی محکوم می شود و در هر صورت به تادیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.»

یعنی اینکه متهم قبل از شروع تحقیقات مقدماتی به صورت مکتوب (با تاسی از اصل ۳۲ ق.ا.) از ماهیت اتهام خود مطلع گردد، تا بدین وسیله بتواند وسایل دفاع مناسب را تهیه نماید، اهمیت تفهیم اتهام به حدی است که مورد توجه اعلامیه های حقوق بشر و قوانین اساسی و عادی اکثر کشورها قرار گرفته است. (بیرانوند و همکاران، همان: ۲۱۱) در حقوق ایران، این حق در مواد ۵ و ۱۹۵ ق.آ.د.ک. مورد تأکید قرار گرفته است.

۴-۴. حق حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی

در نظام حقوقی ایران، طبق ماده‌ی ۱۹۰ ق.آ.د.ک. حضور یک نفر وکیل دادگستری در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی اختیاری است. رعایت این حق برای قانونگذار در مرتبه ای از اهمیت قرار دارد که در صورتی که مقام تحقیق، از حضور وکیل ممانعت نماید، مرتکب تخلف انتظامی شده است.

۴-۵. ممنوعیت شکنجه

یکی از حقوق قضایی شهروندی که در بسیاری از قواعد و اسناد ملی و فراملی مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته است، ممنوعیت شکنجه است. در حقوق ایران نیز مطابق قانون اساسی، هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.^۸ سایر قوانین نیز این حق مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله «ماده‌ی ۵۷۸ ق.م.ا. و بند ۹ ق.آ.ا.م.» این مسأله مورد توجه قرار داده شده است.

۴-۶. ممنوعیت اعمال خشونت آمیز

اقدام به شکنجه غالباً به منظور اخذ اقرار از متهم است. اما، اعمال خشونت آمیز، محتمل است به دلایل مختلفی واقع شود. در بند ۱ ق.آ.ا.م. «ضرورت اجتناب از اعمال هر گونه خشونت» بیان گردیده است.

۵. حقوق شهروندی در مرحله تحت نظر

۵-۱. محدودیت مدت تحت نظر

در حقوق ایران، مدت تحت نظر حداکثر ۲۴ ساعت است و قابل تمدید نمی‌باشد.^۹ همانطور که مشاهده می‌شود، قید (ضرورت تکمیل تحقیقات) مورد توجه مقنن بوده است. وانگهی، در حقوق ایران حق تحت نظر قرار دادن توسط ضابطان به صراحت پیش‌بینی نشده است بلکه از مجموع مواد ۴۶، ۴۷ و ۱۸۹ ق.آ.د.ک. می‌توان فهمید که ضابطان چنین اختیاری دارند.

۵-۲. تکلیف به بازجویی

در خصوص تکلیف بازجویی از متهم، در مرحله‌ی تحت نظر، باید گفت که تحت نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت، بدون آنکه تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود، بازداشت غیرقانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می‌شود. لذا ظرف بیست و چهار ساعت از شروع تحت نظر باید بازجویی از متهم انجام شود که در غیر این صورت، بازداشت متهم، غیرقانونی خواهد بود.^{۱۰}

۵-۳. حق اطلاع شخص تحت نظر از حقوق خود

^۸ اصل ۳۸ قانون اساسی

^۹ طبق ماده‌ی ۴۶ ق.آ.د.ک: «... چنانچه در جرایم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از ۲۴ ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.»

^{۱۰} تبصره‌ی ماده‌ی ۱۸۹ آ.د.ک.

در حقوق ایران، طبق ماده‌ی ۵۲ ق.آ.د.ک. هرگاه متهم تحت نظر قرار گیرد، ضابطان دادگستری باید حقوق مندرج در این قانون را به وی تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت نموده و ضمیمه‌ی پرونده کنند. در حقوق ایران کلیه‌ی حقوق شخص تحت نظر که در ق.آ.د.ک. مقرر گردیده است باید توسط ضابطان به متهم تفهیم شود. از طرفی، شکل اطلاع به متهم (مکتوب) و اخذ رسید از متهم در حقوق ایران وجود دارد. به هر حال مهمترین حقوق شخص تحت نظر که باید از آنها مطلع گردد به شرح ذیل می‌باشد:

۵-۳-۱. حق اطلاع به بستگان

یکی از حقوق شخص تحت نظر در این مرحله حق اطلاع به بستگان است. در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری این امر مسکوت بود، اما در ق.آ.د.ک. این حق مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در بند ۵ ق.ا.آ.م. حق اطلاع به خانواده دستگیرشدگان پیش‌بینی شده است، که ماده‌ی ۵۰ ق.آ.د.ک. با افزودن لفظ عام «آشنایان» هم دایره شمول (خانواده) را توسعه داده است.

۵-۳-۲. حق معاینه پزشکی

در حقوق ایران حق معاینه پزشکی در مرحله‌ی تحت نظر وجود دارد. در حقوق ایران، شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی حق این درخواست را دارد. از طرفی مرجع تعیین پزشک دادستان می‌باشد. (ماده ۵۱ ق.آ.د.ک.)

۵-۳-۳. حق همراهی وکیل

حق همراهی وکیل در حقوق ایران، مورد تأکید قرار گرفته است. در مواد ۴۸ و ۱۹۰ ق.آ.د.ک. به این امر اشاره شده است. همچنین بند سوم ق.ا.آ.م. نیز موید این موضوع است. لیکن باید گفت که تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک. شرایط متفاوتی را پیش‌بینی کرده است. قبل از اصلاحات سال ۹۴ این تبصره مقرر می‌داشت: «اگر شخصی به علت اتهام ارتکاب یکی از جرایم سازمان یافته و یا جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روان گردان و یا جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) ماده ۳۰۳ این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد.» لذا این تبصره استثنایی بر این حق بود. نکته دیگر اینکه مستفاد از این ماده، مدت تحت نظر می‌توانست یک هفته باشد که این امر مغایر ماده ۴۶ ق.آ.د.ک. بود. در هر حال، این تبصره در سال ۹۴ حذف و به شرح ذیل اصلاح گردید: «در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌گردد.»

در این تبصره حق انتخاب و همراهی وکیل، هر چند به صورت مقید، مورد تأکید قرار گرفته است و ایراد مذکور در فوق که این شائبه را ایجاد می‌نمود که مدت تحت نظر می‌تواند تا یک هفته باشد مرتفع گردیده است، اما ایراد دیگری بوجود آورده است. همانطور که ملاحظه می‌گردد، عنوان (مرحله‌ی تحت نظر) از تبصره حذف و به جای آن (مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی) مطرح شده است.

۷-۳-۴. حق سکوت (حق عدم اظهار نظر)^{۱۱}

در حقوق ایران، حق سکوت متهم، هم از طرف قانون اساسی و هم از طرف قانون گذار عادی پذیرفته شده است. در قانون اساسی، می‌توان مبنای حق سکوت را در اصول ۳۷ و ۳۸ یافت. با این استدلال می‌توان مبنای سکوت را در اصل ۳۸ قانون اساسی پی جویی کرد که وقتی نمی‌توان سکوت را همیشه بر پاسخ منفی حمل کرد (ممکن است پاسخ متهم مثبت باشد) و شکنجه برای گرفتن اقرار (یعنی گرفتن پاسخ

^{۱۱} ماده ۷-۱۹۷ ق.آ.د.ک. مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود.

مثبت) صورت می گیرد، بنابراین این شکنجه برای گرفتن اقرار نوعی نقض حق سکوت است و قانون اساسی به اعتبار احترامی که برای حق سکوت قائل بوده، نقض آن را از راه شکنجه ممنوع کرده است. در مواد ۱۲۹، ۱۹۴ و ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری نیز می توان حق سکوت برخورد کرد.

۶. حقوق شهروندی در مرحله دادرسی

دادرسی دارای دو معنای عام و خاص است. به معنی اعم، رشته ای از علم حقوق که هدف آن تبیین قواعد راجع به تشکیلات قضایی، صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجراء تصمیمات دادگاهها می باشد. در فقه به آن قضاء می گفتند. در معنی اخص، مجموعه عملیاتی است که به مقصود پیدا کردن یک راه حل قضایی بکار می رود مانند مجموعه مقرراتی که برای اخذ یک تصمیم در یک دعوی معین بکار برده می شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷ (ب): ۲۷۳) لذا مشخص است که دادرسی به معنای عام، همان فرآیند دادرسی از مرحله کشف جرم تا اجرای حکم می باشد، اما دادرسی به معنی اخص به مرحله ای از فرآیند دادرسی اطلاق می گردد که پس از رسیدگی موضوع و انجام تحقیقات در مراجع پلیس و دادسرا، پرونده با صدور قرار به دادگاه ارجاع می شود. اهم حقوق شهروندی در مرحله دادرسی کیفری به شرح ذیل می باشد:

۱-۶. صدور رای توسط مرجع صالح

بطور کلی در دادرسی کیفری، مراجع بدوی صدور حکم، دادگاه کیفری دو و یک و دادگاه انقلاب می باشند، لذا به استثنای جرایمی که در صلاحیت دو مرجع اخیرالذکر است، سایر جرایم در دادگاه کیفری دو رسیدگی خواهد شد. پس صدور حکم توسط قاضی دادسرا یا هر شخص دیگر غیر از قضات مراجع فوق الذکر در مرحله بدوی فاقد اعتبار خواهد بود.

۲-۶. حق علنی بودن دادرسی

علنی بودن دادرسی در فقه نیز مورد توجه قرار گرفته است: «قاضی باید در موضع نمایان، یعنی جایی که بدون در و دیوار باشد، مثل مکانی وسیع بنشیند تا اینکه رسیدن به او آسان باشد.» (محقق حلی، ۱۳۹۲: ۱۶۴۲) در حقوق ایران، اصل بر علنی بودن محاکمات است. ماده ۳۵۲ ق.آ.د.ک. بر این مسأله تأکید نموده است. لیکن در مواردی استثنایی به درخواست طرفین یا شاکی و یا پس از اظهار عقیده دادستان، دادگاه می تواند قرار غیرعلنی بودن محاکمه را صادر نماید.

۳-۶. حق ارتباط با وکیل مدافع

گذشته از اینکه در مرحله تحت نظر، متهم، حق همراهی وکیل را دارد، در مرحله دادرسی نیز یکی از حقوق بنیادین طرفین دعوی حق ارتباط با وکیل است. این حق علاوه بر اینکه در ق.ا. مورد اشاره قرار گرفته است (اصل سی و پنجم ق.ا.) در ماده ۳۴۶ ق.آ.د.ک. نیز بر آن تأکید شده است.

۴-۶. حق رد صلاحیت قاضی و اعضای هیأت منصفه

در حقوق ایران، حضور هیأت منصفه صرفاً در دادگاه کیفری یک و در رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی الزامی می باشد. (ماده ۳۰۵ ق.آ.د.ک. در نظام حقوقی ایران، حق رد اعضای هیأت منصفه باید مستند به دلایل مصرح قانونی باشد.^{۱۲} در حقوق ایران «مقامات قضایی دادسرا نیز باید در صورت وجود جهات رد دادرسی، از رسیدگی امتناع کنند. شاکی، مدعی خصوصی یا متهم نیز می توانند دادستان یا بازپرس را رد و مراتب را به صورت کتبی به او اعلام کنند.»

۵-۶. حق حمایت از شهود

یکی از حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی حق حمایت از شهود است؛ از آن جایی که، غیر از اصحاب دعوی، اشخاص دیگری نیز در این

^{۱۲} ماده ۶۱ قانون مطبوعات در این خصوص مقرر می دارد: «موارد رد اعضای هیأت منصفه همان است که طبق قانون در مورد رد قضات پیش بینی شده است.

فرآیند دخیل هستند. تهدید شهود و عدم ارائه راهکارهای حمایتی مناسب از آنها باعث می‌شود تا شهود از ادای شهادت امتناع ورزیده و اجرای عدالت با مشکل مواجه گردد. بنابراین صیانت از عدالت به عنوان یکی از مبانی حمایت از شهود می‌طلبد تا آنها تحت حمایت قرار گیرند. (باقری‌نژاد، همان: ۷۴)

در حقوق ایران نیز مواد ۴۰، ۹۷ و ۲۱۴ ق.آ.د.ک. جهت حمایت از شهود مقرراتی تصویب شده است. از طرفی بند ۲ ق.ا.آ.م. مقرر داشته است: «... و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.» که این تأمین امنیت عام بوده و در خصوص شهود نیز مصداق می‌یابد.

۶-۶. حق اعتراض به آراء

در مرحله‌ی دادرسی به مفهوم خاص یکی از مهمترین حقوق قضایی شهروندی، حق اعتراض به آراء می‌باشد که فهرست اقسام این حق به شرح ذیل است:

- حق واخواهی (ماده‌ی ۴۰۶ ق.آ.د.ک.)
- حق تجدید نظرخواهی (ماده‌ی ۴۲۶ ق.آ.د.ک.)
- حق اعاده‌ی دادرسی (ماده‌ی ۴۷۴ ق.آ.د.ک.)
- حق فرجام خواهی (ماده‌ی ۴۲۸ ق.آ.د.ک.)

۷. حقوق شهروندی در مرحله اجرای احکام

باید این واقعیت را در نظر بگیریم که محافظت و حراست از حقوق تک تک شهروندان بر دوش همه قوا و سازمان‌های دولتی است که باید در این زمینه اقدامات لازم و ضروری برای حراست از حقوق شهروندان را در تمام واحدهای اجرایی خود عملیاتی کنند تا حقوق شهروندی در تشریفات اداری و اجرایی و حتی قانونی پایمال نشود و در صورت رعایت نشدن حقوق شهروندی از سوی دستگاههای دولتی باید مراجع قضایی صالحی وجود داشته باشند که از حقوق افراد در مقابل دولت با رعایت اصول دادرسی عادلانه دفاع کند. (غفاری انور، همان: ۱) یکی از مراحل که در آن رعایت حقوق شهروندی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مرحله‌ی اجرای احکام کیفری است. مهمترین حقوق شهروندی در این مرحله به شرح ذیل می‌باشد:

۷-۱. حق امنیت در زندان‌ها

در حقوق ایران امنیت زندانیان مورد توجه قرار دارد. بر این اساس هر چند شخصی که در زندان به سر می‌برد، حسب تشخیص دادگاه، مجرم است؛ اما باید پذیرفت که وی نیز از حقوق شهروندی برخوردار است و حق دارد که از امنیت مورد حمایت قانونگذار برخوردار باشد. در پرتو این اندیشه تبصره ۲ ماده ۵۱۳ ق.آ.د.ک. و نیز ماده ۵۱۴ این قانون تفکیک زندانیان بر مبنای عواملی مانند نوع و مدت محکومیت، پیشینه و شخصیت محکومین، را مقرر داشته است.

۷-۲. حق اشتغال در زندان‌ها

در نظام حقوقی ایران، حق اشتغال در زندان پیش‌بینی شده است. ماده ۵۲۸ ق.آ.د.ک. این حق را مورد تأکید قرار داده است. در ماده ۱۳ اعلامیه حقوق بشر اسلامی (قاهره) آمده است؛ «کار، حقی است که باید دولت و جامعه برای هر کسی که قادر به انجام آن است، تضمین کند.» (شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۲: ۲۷۷) در قانون اساسی نیز اصل ۲۸ قانون اساسی، بر «امکان اشتغال به کار برای همه‌ی افراد» تأکید نموده است که از اطلاق این عبارت چنین استنباط می‌گردد که زندانیان نیز از این حق برخوردار خواهند بود.

۷-۳. حق مرخصی

در حقوق ایران حق مرخصی برای زندانیان به صراحت پیش‌بینی شده است.^{۱۳} بنابراین در صورتی که محکوم یا متهم واجد شرایط مقرر قانونی باشد و آمادگی برای سپردن تأمین مناسب را نیز داشته باشد، محروم کردن وی از برخورداری از مرخصی برخلاف اهداف مقنن است و مقامات مربوط باید در حدود مقرر با مرخصی آنان موافقت نمایند. صدر ماده ۲۰۲ آیین نامه زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۴۰۰ نیز موید این استنباط است. از طرفی به استناد ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، محروم کردن محکومان به حبس از مرخصی ضمن صدور رای (جزئاً یا کلاً) برای مدت معین یا تمام مدت محکومیت حبس، فاقد وجاهت قانونی است.

۸. روش‌های نظارت بر حسن اجرای حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی

ناظر در لغت به معنی نگاه کننده است. در اصطلاح به شخصی گویند که عمل یا اعمال نماینده‌ی شخص یا اشخاصی را مورد توجه قرار داده و صحت و سقم آن عمل یا اعمال را به مقیاس معینی که معهود است می‌سنجد و برای این کار اختیار قانونی داشته باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷ (ب): ۷۰۶). به هر حال روش‌های نظارت از جنبه‌های مختلف به دسته‌های گوناگونی قابل تقسیم است. وقتی در علم حقوق، مسأله‌ی نظارت مطرح می‌گردد، فوراً نظارت استصوابی و نظارت اطلاعاتی به ذهن متبادر می‌گردد. اما در این جا، بحث از این دو قسم نیست، بلکه همانطور که گفته شد، نظارت به معنی یک اقدام بازدارنده و به جهت پیشگیری از نقض حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی در این قسمت مدنظر است.

مرسوم است که در حقوق اداری، نظارت را ذیل دو عنوان نظارت سلسله مراتبی (درون سازمانی) و نظارت قیمومتی (بین سازمانی) تحلیل می‌کنند. نظارت سلسله مراتبی در چارچوب روابط درون سازمانی واحدهای متمرکز یعنی واحدهایی که تحت نظارت شدید قدرت مرکزی هستند اعمال می‌شود، مانند نظارت وزارتخانه‌ها بر واحدهای اداری تابعه خود. نظارت قیموتی در چارچوب روابط بین سازمانی یعنی روابط بین قدرت مرکزی با واحدهای غیرمتمرکز اعمال می‌شود، مانند نظارت سازمان‌های مرکزی دولت بر فعالیت شهرداری‌ها، شوراهای اسلامی کشور و ... (عدم تمرکز جغرافیایی) و همچنین نظارت بر شرکتهای دولتی، موسسات عمومی و ... (عدم تمرکز فنی یا اداری). (موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۹۴)

۸-۱. نظارت به روش درون سازمانی

نظارت درون سازمانی^{۱۴} عبارت است از اینکه یک نهاد از یک ارگان، بر سایر نهادهای آن ارگان نظارت نماید. وجه تسمیه آن هم مشخص است، زیرا نهاد ناظر، خود، در همان ارگانی قرار دارد که بر آن نظارت می‌کند. ایراد عمده‌ی این روش در آن است که نهاد ناظر، خود، تابع همان ارگانی است که بر آن نظارت می‌کند، لذا این امر مستلزم دور است. اما از مزیت‌های این روش به دو مورد مهم می‌توان اشاره کرد. نخست اینکه نهاد ناظر می‌تواند از بعدی نزدیک و عینی عمل نظارت را انجام دهد و دیگر آنکه به جهت آشنایی و شناخت حقوق و تکالیف سایر نهادهای ارگان متبوع، نظارتی جامع بر نهادهای آن ارگان خواهد داشت.

از روش نظارت درون سازمانی می‌توان برای نظارت بر حفظ حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی استفاده نمود. همانطور که هیأت نظارت مرکزی (موضوع بند ۱۵ ق.ا.م.ا.) به این شیوه بر رعایت حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی نظارت می‌نماید. روش نظارت درون سازمانی

^{۱۳} ماده ۷-۵۲۰ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد: «محکومان می‌توانند پس از سپردن تأمین مناسب، ماهانه سه روز از مرخصی برخوردار شوند. در موارد ازدواج، بیماری حاد یا فوت بستگان نسبی یا سببی درجه یک از طبقه اول و دوم، مدت مرخصی اعطایی به پنج روز افزایش می‌یابد. تشخیص شرایط اعطای مرخصی و کفایت تأمین با قاضی اجرای احکام است.

^{۱۴} Internal monitoring

بر حفظ حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی، یک روش حقوقی با تکیه بر جنبه های مطالعاتی، ارزشیابی، بازرسی و تحقیق، پیشگیرانه و ارشادی است. هدف عمده ای که در این روش دنبال می شود، رفع مسالمت آمیز کاستی ها در حفظ حقوق شهروندی است. از طرفی در این روش، ارائه ی گزارش ها، توصیه ها، درخواست ها و پیگیری ها توسط مقام ناظر می توانند به بهبود عملکرد مقامات و ضابطان قضایی منجر گردد.

باید خاطر نشان ساخت که این نوع نظارت را نباید با نظارت قضایی^۵ خلط نمود. نظارت قضایی، فرآیندی است که دادگاهها به وسیله آن، صلاحیت نظارت خود را بر فعالیت های نهادهای عمومی در حوزه ی حقوق عمومی، اعمال نموده و قانونی بودن یک عمل دولتی یا اجرای آن را براساس شرایط ویژه، مشخص می سازد. این تأسیس حقوقی، ابداعی قضایی برای تضمین انطباق تصمیمات صادره از سوی قوه ی مجریه یا نهاد عمومی با قانون، خوانده شده ولو این که آن تصمیم، در بردارنده ی اشتباه نباشد. (علیدوستی، ۱۳۸۹: ۶۵)

۸-۱-۱. کارکرد روش نظارت درون سازمانی

روش نظارت درون سازمانی بر حفظ حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی به جهت ویژگی های منحصر به فردش، کارکردهای مطلوبی دارد که برخی از آنها به شرح ذیل مورد مطالعه قرار می گیرد.

۸-۱-۱-۱. پیشگیری از نقض حقوق شهروندی

یکی از مهمترین کارکردهای نظارت درون سازمانی بر حفظ حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی، پیشگیری از نقض این حقوق می باشد. نهاد ناظر پس از بررسی منابع، آمارها، اوضاع و احوال محقق و معلوم قضیه جهت جلوگیری از نقض حقوق شهروندی راهکارها و توصیه های ارائه می دهد. البته این اختیار نمی تواند نافی طرح و پیگیری قضایی توسط ذینفع باشد، لیکن وظیفه و کارکرد اصلی نهاد ناظر، پیشگیری است نه طرح دعوی قضایی. بنابراین واضح است که هدف پیشگیری از نقض حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی با نظارت درون سازمانی، واجد ضمانت اجرای کافی نمی باشد و حمایت کافی - از حیث عملی و سازمانی - از آن به عمل نیامده است، لیکن به جهت کارکرد پیشگیری مفید بوده است.

۸-۱-۲. رفع نقاط ضعف در خصوص حفظ حقوق شهروندی

به عقیده یکی از اعضای هیأت مرکزی نظارت بر حفظ حقوق شهروندی، نظارت درون سازمانی در این حوزه می تواند در نهایت به رفع نقاط ضعف در خصوص حفظ حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی منجر گردد. البته ایشان می افزایند که هر چند این روش موثر است اما حمایت چندانی از آن نشده است.^۶ به هر حال می توان رفع نقاط ضعف در خصوص حفظ حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی را یکی از کارکردهای روش درون سازمانی دانست.

۹. نظارت به روش برون سازمانی

روش نظارت برون سازمانی را نباید با نظارت قیمومتی، خلط نمود. نظارت قیمومتی به نظارتی اطلاق می شود که مقامات مرکزی نسبت به واحدهای غیرمتمرکز (جغرافیایی و فنی) اعمال می دارند. این نظارت مبتنی بر نظام هماهنگی یا همکاری است و کارکنان یک واحد غیرمتمرکز مستقیماً از دستورات مقامات سازمان مرکزی تبعیت نمی کنند. در نظام قیمومتی، از آنجا که شخصیت حقیقی نهاد نظارت کننده (سازمان مرکزی) و نهاد نظارت شونده (واحد غیرمتمرکز) متفاوت است، نظارت خفیف و روابط بین آنها عرضی یا افقی است.

^۵ Judicial Supervision

۱. مصاحبه مورخ نهم خرداد ۱۳۹۵ با اعضای هیات مرکزی نظارت بر حفظ حقوق شهروندی.

(موسی زاده، همان: ۹۶) نظارت برون سازمانی به معنای نظارت یک ارگان بر ارگانی دیگر بر مبنای صلاحیت قانونی نهاد ناظر می باشد. در واقع، برخلاف نظارت قیموتی که سازمان مرکزی از حیث تفوق اداری نسبت به نهادهای مورد نظارت برتری دارد، در نظارت قیموتی حتی دستورات غیرمستقیم نیز نهادهای مورد نظارت را تحت تأثیر قرار نمی دهد. به عبارت دیگر نهاد نظارت شونده به هیچ وجه تحت دستورات نهاد نظارت کننده نمی باشد و محتمل است در سلسله مراتب اداری هم، هر دو نهاد هم عرض باشند.

از جمله نظارت برون سازمانی می توان به نظارت «سازمان بازرسی کل کشور» در حقوق ایران اشاره نمود. همانطور که ملاحظه می گردد، نظارت این سازمان بر مراجع تحت نظارت از نوع نظارت قیمومیتی نمی باشد و به روش برون سازمانی است و از طرف دیگر نظارت سازمان، یک فرآیند قضایی که منجر به صدور رأی گردد، نمی باشد.^{۱۷}

۱۰. روش های نظارت بر رعایت حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران

پس از بیان کلیاتی در خصوص روش های نظارت بر حفظ حقوق شهروندی، باید به مطالعه ای موضع نظام حقوقی ایران در خصوص این مسأله پرداخت و این موضوع را که در نظام حقوقی ایران کدام روش مورد حمایت و عمل قرار گرفته است را شناسایی نمود. در نظام حقوقی ایران، نظارت ارشادی بر ضابطان قضایی و مقامات قضایی و اداری محاکم در مورد رعایت حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی به هر دو روش درون سازمانی و برون سازمانی صورت می پذیرد.

۱۰-۱. نظارت بر اعمال ضابطان قضایی در فرآیند دادرسی

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نقش بسیار پیچیده ای را در جامعه بر عهده دارد. این سازمان، روزانه به تحقیق و بازرسی در مورد شهروندان به واسطه تخلف، وقوع جرایم و ... پرداخته و در برخی مواقع آنها را بازداشت و یا دستگیر می کند و به طور قانونی از نیروی فیزیکی در زمانی که حکم صادر می شود، استفاده می کند. بنابراین سازمان پلیس از کارکنان انتظار دارد که به طور مطلوب و تنها از روش های قانونی وظایف تعیین شده را انجام داده و به مقررات وفادار باشند. (اسکندری- صالحی، ۱۷:۱۳۹۲) جهت دستیابی به این منظور بایستی نظارت مستمر به اعمال ضابطان قضایی، در خصوص رعایت حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی، به عمل آید.

نظارت بر رعایت حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی توسط ضابطان قضایی از چند جهت مختلف اعمال می شود. از طرفی طبق ماده بیست و هشت ق.آ.د.ک. : «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان ... اقدام می کنند.» بنابراین دادستان، در مورد حفظ حقوق شهروندی بر اعمال ضابطان دادگستری نظارت می نماید. این نظارت، پس از تصویب قانون آئین دادرسی کیفری جدید مبنای قانونی استواری یافت. زیرا طبق ماده ۷ این قانون، بخشی از گستره نظارت بر ضابطان در مورد رعایت حقوق شهروندی است. وانگهی، علاوه بر نظارت دادستان بر ضابطان دادگستری، سایر مقامات قضایی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می دهند، حق نظارت دارند. (ماده ۳۲ ق.آ.د.ک.) بنابراین، دادستان و سایر مقامات قضایی در اموری که به ضابطان ارجاع می دهند، در مورد رعایت حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی نظارت خواهند داشت. این نظارت از نوع پیشگیرانه و درون سازمانی است؛ لذا از اقسام نظارت ارشادی محسوب می گردد. عملکرد پلیس باید به گونه ای باشد که علاوه بر تأمین منافع جامعه، شهروندان را در تأمین حقوق شهروندی خود یاری نماید. این مهم برآورده نمی شود مگر اینکه حقوق شهروندی افراد جامعه، متهم، بزهکار، بزه دیده و ... در جریان اقدامات پلیسی رعایت گردد. (رزینی- غلامی، همان: ۱۰۹) جهت حصول اطمینان از این امر، نظارت بر اعمال ضابطان قضایی ضرورت می یابد.

بنابراین با توجه به موارد فوق، مراجع قضایی باید نظارت بر رعایت حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی را معمول دارند. اما بحث نظارت

^{۱۷} در خصوص جزئیات نظارت سازمان بازرسی کل کشور ر.ک. به قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور با اصلاحات ۱۳۹۳/۷/۱۵.

ارشادی در حقوق ایران به همین جا ختم نمی‌شود. بلکه هیأت مرکزی نظارت بر حفظ حقوق شهروندی موضوع بند ۱۵ ق.ا.آ.م. نیز به منظور اطمینان از حسن اجرای قانون مذکور بر اعمال ضابطان قضایی نظارت می‌نماید.

یکی از اعضای هیأت مرکزی نظارت بر حفظ حقوق شهروندی در پاسخ به این سوال که کدامیک از مصادیق نقض حقوق شهروندی در عمل توسط هیأت مذکور رسیدگی می‌گردد، خاطر نشان می‌سازد: «مصادیق حقوق شهروندی که توسط هیأت مرکزی نظارت پیگیری می‌گردد، محدود به موارد منصوص در ق.ا.آ.م. است و غیر از موارد مذکور در صلاحیت این هیأت نمی‌باشد» ایشان در خصوص نظارت بر رفتار ضابطان قضایی و زندان‌ها می‌افزایند: «اخبار و اطلاعات راجع به عملکرد مراجع انتظامی و زندان‌ها علی‌الاصول از خود آن مراجع و در پاسخ به استعلامات و بازرسی‌ها بدست می‌آید. بازرسی‌های هیأت بیشتر جنبه‌ی پیشگیری دارد و هدف از آن رفع نقاط ضعف از طریق توصیه، تذکر، صحبت و اخطار به مقام مسئول می‌باشد.»^{۱۸}

جهت بازرسی از پاسگاه‌ها، هیأت بازرسی هیأت مرکزی نظارت مواردی را مدنظر قرار می‌دهد از جمله وضعیت عمومی پاسگاه، آمار مراجعین به پاسگاه و نحوه برخورد فرمانده و سایر عوامل پاسگاه با مراجعین، وضعیت تحت نظرگاه پاسگاه، وضعیت ثبت ورود و خروج بازداشت شدگان و میزان پرونده‌ها و بررسی دستورات صادره قضایی و پرونده‌ها؛ همچنین در نهایت رعایت موارد مندرج در ق.ا.آ.م. به شرح ذیل مورد بازرسی قرار می‌گیرد:

- مقررات قانونی در شروع به تحقیق و جلب و احضار افراد
 - کیفیت اجرای دستورات قضایی
 - احضار و جلب متهم طبق قانون و با دستور مقام قضایی
 - انجام تحقیقات و بازجویی‌ها و تفهیم اتهام
 - حرمت و شخصیت متهم در تحقیقات و بازجویی‌ها
 - حقوق قانونی افراد در تحقیقات و بازجویی
 - مقررات قانونی در بازرسی اماکن و اشیاء
 - پس از تحقیق، بلافاصله پرونده به مرجع قضایی ارسال شده است.
 - متهم ظرف مهلت قانونی به مرجع قضایی معرفی گردیده است.
 - تحت نظر بودن متهم با دستور قضایی بوده است.
 - توقیف اموال و اشیاء (در صورت انجام) به درستی انجام شده است.
- در خصوص نظارت هیأت مرکزی بر کلانتری‌ها و دوایر پلیس آگاهی/ اطلاعات و امنیت/ مواد مخدر نیز فرم‌های تقریباً مشابهی تهیه شده که موارد مندرج در آنها مورد بازرسی قرار می‌گیرد.

بازرسی و نظارت هیأت مرکزی نظارت بر حفظ حقوق شهروندی به اینجا ختم نمی‌شود، بلکه هیأت مذکور نسبت به بازرسی از زندان‌ها اقدام نموده و موارد ذیل را مدنظر قرار می‌دهد:

- موقعیت مکانی و مشخصات زندان
- آمار زندانیان
- طبقه‌بندی زندانیان
- فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی
- وضعیت بهداشتی زندان و کنترل بیماری‌های خاص

۱. مصاحبه مورخ نهم خرداد ۱۳۹۵ با اعضای هیأت مرکزی نظارت بر حفظ حقوق شهروندی.

- متهمین جدای از محکومین نگهداری می شوند.
 - تفکیک و طبقه بندی موضوع آئین نامه نحوه تفکیک و طبقه بندی زندانیان رعایت می گردد.
 - زندانیان آزاد شده تحت پوشش مراکز مراقبت بعد از خروج قرار می گیرند.
 - در زندان اطلاع رسانی به زندانیان در خصوص حقوق و تکالیف قانونی صورت پذیرفته است.
 - اطفال و نوجوانان بزهکار کمتر از ۱۸ سال در محل مجزا نگهداری می شوند.
 - وضعیت نگهداری لوازم و اشیاء و اسناد متعلق به زندانیان مناسب می باشد. و مواردی از این قبیل.
- ۱۰-۲. نظارت بر اعمال مقامات قضایی و اداری محاکم

در فرآیند دادرسی نقش اصلی و محوری بر عهده قضات است. قضات وظیفه دارند تا با اعمال مقررات قانونی و صرفاً با استفاده از اختیاراتی که قانون به آنها اعطاء می کند نسبت به کشف جرم و تعقیب متهم اقدام نمایند. تحقیقات مقدماتی را به طور کامل انجام دهند، مطابق مقررات رسیدگی را انجام داده و پس از صدور رأی قطعی، آنرا اجرا نمایند. در این فرآیند، قضات مکلفند حقوق شهروندان را حفظ نمایند و از تعدی به این حقوق پرهیز کنند. (موسوی مقدم، همان: ۲۶۳) بنابراین نظارت بر اعمال مقامات قضایی و اداری محاکم امری اجتناب ناپذیر است.

در حقوق ایران هیأت مرکزی نظارت بر حفظ حقوق شهروندی نسبت به اعمال قضات نظارت دارد. تمام دستگاههایی که در ارتباط با قانون حفظ آزادی های مشروع و رعایت حقوق شهروندی قرار می گیرند، باید با این هیأت همکاری نمایند. این هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر همکاری در اصلاح روش ها و انطباق آنها با مقررات با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی کرده و نتیجه اقدامات را به رئیس قوه قضائیه گزارش نمایند. (رزینی - غلامی، همان: ۱۱۷)

به عقیده ی یکی از اعضای هیأت مرکزی نظارت، بیشترین مورد از موارد نقض حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی توسط مقامات قضایی و اداری محاکم، اطلاع دادرسی و نحوه برخورد با اصحاب دعوی می باشد. البته باید توضیح داد که هیأت مرکزی نظارت، راساً طرح دعوی نمی کند، بلکه پس از دریافت گزارش نسبت به پیگیری موضوع، خواه در مرحله ی قضایی باشد یا اساساً اقامه دعوی راجع به نقض حقوق شهروندی صورت نگرفته باشد، اقدام می نماید.^۹ بنابراین، بدون خدشه به اعمال نظارت قضایی در خصوص رعایت حقوق شهروندی توسط مقامات قضایی و اداری محاکم و نیز بدون لطمه به اصل استقلال قضات، نظارت ارشادی بر اعمال این صاحب منصبان توسط هیأت مرکزی نظارت بر حفظ حقوق شهروندی صورت می گیرد. البته باید افزود که این نظارت بیشتر جنبه ی شکلی و در جهت بررسی انطباق یا عدم انطباق اعمال و اقدامات ایشان با موارد قانونی است.

بازرسی هیأت مرکزی از محاکم به وسیله فرم تهیه شده در این خصوص انجام می گردد و موارد مورد بازرسی در آن توسط هیأت بازرسی درج می گردد. در این قالب علاوه بر موارد مندرج در فرم های بازرسی از پاسگاه ها و کلانتری ها، موارد دیگری نیز به اقتضاء تفاوت مرجع مورد نظارت، مورد تأکید است که از جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- تعداد شعب فعال و بلا تصدی حقوقی و جزایی
- تعداد شعب فعال و بلا تصدی دادیاری و بازپرسی
- انطباق یا عدم انطباق رسیدگی محاکم با ق.ا.آ.م
- آمار پرونده های وارده و مختومه
- درخواست ارائه برنامه های نظارتی دادستان

۱. مصاحبه مورخ نهم خرداد ۱۳۹۵ با اعضای هیات مرکزی نظارت بر حفظ حقوق شهروندی.

- حقوق قانونی افراد در استفاده از خدمات وکالت و مشاوره
- تناسب قرار تأمین با اتهام و دلایل و وضع خاص متهم
- صدور دستور آزادی متهم بلافاصله پس از قبول ضمانت
- ابقاء بازداشت موقت وفق مقررات قانونی
- معرفی بی‌درنگ متهم در بازداشت به زندان
- منحصر بودن رسیدگی (تحقیق و تعقیب) به مباشر، معاون و شریک جرم
- اجازه آخرین دفاع به متهم پس از پایان رسیدگی
- تعیین تکلیف اشیاء و اموال توقیفی در رأی دادگاه
- رعایت قوانین در اجرای مجازات‌های مالی (دیه، جزای نقدی، غرامت، ضبط اموال و پلمپ)
- طبقه و مرجع اجرای حکم بر مبنای و منطبق بر شیوه‌های قانونی
- اجرای احکام در مجازات‌های سالب حیات بر مبنای قانونی (در اجرای احکام کیفری)
- توقیف و سقوط مجازات‌ها بر مبنای قانونی
- رفع موانع اجرای احکام، پیش از اجرا

نتایج و پیشنهادها

انسان، به نفس انسان بودنش باید از حداقل حقوقی در طول زندگی خویش برخوردار باشد. این مساله مکرراً در مکاتب الهی و در راس آنها، در اسلام مورد تأکید واقع شده است. هنگامی که این حقوق حداقلی، رنگ و بوی ملی به خود می‌گیرد، حقوق شهروندی متجلی می‌گردد. حقوق شهروندی در عرصه‌های مختلف زندگی شهروندان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، که یکی از این عرصه‌ها، فرآیند دادرسی است.

رعایت حقوق شهروندی اشخاص دخیل در فرآیند دادرسی، اعم از اصحاب دعوی و شهود در تمام ابعاد آن از جمله حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و قضایی، توسط مقامات قضایی و اداری محاکم و ضابطان قضایی، در نظام حقوقی ایران الزامی است؛ زیرا مقامات مذکور، خود در مقام احقاق حقوق شهروندان می‌باشند. فلذا نقض حقوق شهروندان در مسیر احقاق حق ایشان، مساله‌ای خطرناک است. با وجود این، در پاره‌ای موارد نقض حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی در نظام حقوقی ایران فاقد ضمانت اجراء یا دارای ضمانت اجرای بسیار خفیف است. گستردگی علم حقوق، سبب گردیده که حوزه‌های مختلف این رشته از یکدیگر جدا شوند، اما در پاره‌ای موارد، موضوعاتی جدید بنا به اقتضای ضرورت‌ها حادث می‌گردد که مطالعه میان رشته‌ای را ایجاب می‌نماید. یافته‌های این اثر حاکی از آن است که، میان نقض حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی و نظارت و برقراری ضمانت اجرای کیفری، مدنی و انتظامی-اداری، در حقوق ایران رابطه مستقیم وجود دارد. وانگهی، در نظام حقوقی ایران، نقض حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی توسط مقامات قضایی و اداری محاکم و ضابطان قضایی موجب برقراری مسئولیت کیفری، مدنی و انتظامی-اداری می‌گردد. به علاوه، در نظام حقوقی ایران در موارد متعددی، ضمانت اجرای نقض حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی بسیار خفیف است.

در نهایت پیشنهاد می‌گردد که قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به نحوی توسعه یابد که تمام ابعاد مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و قضایی حقوق شهروندی را در بر بگیرد و تضمینات نقض این حقوق در فرآیند دادرسی، اعم از ضمانت اجرای کیفری، مدنی، انتظامی-اداری یا انضباطی را تعیین نماید. به علاوه، پیشنهاد می‌گردد در جهت آموزش، اطلاع رسانی، فرهنگ سازی، در خصوص حقوق شهروندی و تضمینات نقض آن در فرآیند دادرسی به نحو جدی اقدام شود، تا اصحاب دعوی از حقوق خود در فرآیند دادرسی مطلع گردیده و مقامات ذیصلاح در فرآیند دادرسی از تکالیف، اختیارات و محدوده آزادی خود در برخورد با

شهروندان آگاه شده تا حقوق شهروندان در فرآیند دادرسی تضمین گردد.

منابع

قرآن کریم

الف- کتب

- ۱- آشوری، محمد (۱۳۸۷). آیین دادرسی کیفری، چاپ سیزدهم، جلد اول، تهران: سمت.
- ۲- آشوری، محمد (۱۳۸۸). آیین دادرسی کیفری، چاپ دهم، جلد دوم، تهران: سمت.
- ۳- امامی، اسدالله (۱۳۸۶). حقوق مالکیت معنوی، چاپ اول، جلد اول، تهران: میزان.
- ۴- باقری نژاد، زینب (۱۳۹۱). حمایت از شهود (در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین المللی)، چاپ اول، تهران: خرسندی.
- ۵- تدین، عباس (۱۳۹۱). قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، چاپ اول، تهران: خرسندی.
- ۶- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷). ترمینولوژی حقوق، چاپ بیستم، تهران: گنج دانش.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷). روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
- ۸- خامنه‌ای، حضرت آیت الله العظمی حاج سید علی (۱۳۸۹). رساله اجوبه الاستفتائات، چاپ شصت و نهم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ۹- زرکلام، ستار (۱۳۸۸). حقوق مالکیت ادبی هنری، چاپ دوم، تهران: سمت.
- ۱۰- شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۲). زمینه ها، ابعاد و آثار حقوق شهروندی، چاپ اول، تهران: میزان.
- ۱۱- شمس، عبدالله (۱۳۸۷). آیین دادرسی مدنی، چاپ نوزدهم، جلد اول، تهران: دراک.
- ۱۲- شمس، عبدالله (۱۳۸۹). ادله اثبات دعوی (حقوق ماهوی و شکلی)، چاپ هشتم، تهران: دراک.
- ۱۳- صادق منش، جعفر (۱۳۹۴). ضابطان قضایی (وظایف، اختیارات، و مسئولیت ها)، چاپ اول، تهران: جنگل.
- ۱۴- صفایی، سید حسین - امامی، دکتر اسدالله (۱۳۸۸). مختصر حقوق خانواده، چاپ هجدهم، تهران: میزان.
- ۱۵- صفایی، سید حسین - قاسم زاده، دکتر سید مرتضی (۱۳۸۸). اشخاص و محجورین، چاپ پانزدهم، تهران: سمت.
- ۱۶- عابد خراسانی، محمود رضا (۱۳۷۹). سلب مالکیت از بیگانگان در حقوق بین الملل، چاپ اول، تهران: دادگستر.
- ۱۷- عباسی آبخواره، علی - محبوب محمود علیلو، بابک (۱۳۹۴). درآمدی بر حقوق شهروندی، چاپ اول، تهران: آیین دادرسی.
- ۱۸- عظیمی، محمد (۱۳۸۶). آیین دادرسی مدنی، چاپ اول، تهران: کسری.
- ۱۹- علیدوستی شهرکی، ناصر (۱۳۸۹). حقوق سرمایه گذاری خارجی، چاپ اول، تهران: خرسندی.
- ۲۰- غمامی، مجید - محسنی، حسن (۱۳۹۲). آیین دادرسی مدنی فراملی، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۲۱- قاسم زاده، سید مرتضی - ره پیک، حسن - کیایی، عبدالله (۱۳۹۰). تفسیر قانون مدنی (اسناد، آراء و اندیشه های حقوقی)، چاپ پنجم، تهران: سمت.
- ۲۲- قاضی، سید ابوالفضل (۱۳۸۸). بایسته های حقوق اساسی، چاپ سی و چهارم، تهران: میزان.
- ۲۳- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). دوره مقدماتی حقوق مدنی (خانواده)، چاپ ششم، تهران: میزان.
- ۲۴- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، چاپ سی ام، تهران: میزان.
- ۲۵- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). فلسفه حقوق (تعریف و ماهیت حقوق)، چاپ پنجم، جلد اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۲۶- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ هجدهم، تهران: میزان.
- ۲۷- کیایی، عبدالله (۱۳۸۴). قانون مدنی و فتاوی امام خمینی (ره)، چاپ اول، جلد اول، تهران: سمت.

۲۸- کیایی، عبدالله (۱۳۸۴). قانون مدنی و فتاوی امام خمینی (ره)، چاپ اول، جلد دوم، تهران: سمت.

۲۹- محسنی، حسن (۱۳۹۳). قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، چاپ سوم، جلد اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ب- مقالات فارسی

۱- امتحانی، احمد رضا - نادری عوج بغزی، جواد - مقبل باعرض، فائز. تضمین حقوق شهروندی در پرتو رعایت اصل کیفی بودن قوانین کیفری، نشریه تمدن حقوقی، سال ۱۴۰۲، دوره ۶، شماره ۱۶.

۲- غفوریان اصل، محمد - زنگنه اینانلو، رضا- عزیزی، سعدی. چالش های قانونی- قضایی کارکنان پلیس در رعایت حقوق شهروندی متهمین، نشریه نظارت و بازرسی، سال ۱۴۰۱، دوره ۱۶، شماره ۶۲.

۳- نیکزاد، مجید- رضوی، محمد- سخاوت بنیس، علیرضا- خلیل نژاد، محمد. اثربخشی رعایت حقوق شهروندی بر پیشگیری از سوانح هوایی با تاکید بر مسئولیت اجتماعی، نشریه نظارت و بازرسی، سال ۱۴۰۲، دوره ۱۷، شماره ۶۶.

۴- آشوری، محمد- سپهری، روح الله (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، مجله آموزه های حقوق کیفری: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره ۶.

۵- اسکندری، خسرو- صالحی، مرتضی (۱۳۹۲). تاثیر رسیدگی به شکایات و گزارش های مردمی در رعایت حقوق شهروندی (در بین کارکنان کلانتری های ناجا)، فصلنامه پژوهش های انتظام اجتماعی، سال پنجم، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۲.

۶- بهدین، کبریا- حبیب زاده، اصحاب- دهقان، سید مصطفی- بهرور، سروش (۱۳۸۸). نقش ناجا در تحقق حقوق شهروندی، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال دوم، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۲.

۷- بیرانوند، رضا- کوشا، جعفر- هاشمی، حمید- رنجبر، بهرام (۱۳۸۹). وظایف پلیس شهروند مدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان (در مرحله تحقیقات مقدماتی)، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، ۱۳۸۹، شماره ۳.

۸- پرویزی فرد، آیت الله (۱۳۹۱). دستگیری متهم بدون دستور قضایی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس)، فصلنامه حقوق: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۲.

۹- پروین، فرهاد (۱۳۹۲). قانون گریزی: نقض متقابل حقوق شهروندی، مجله پژوهش های اجتماعی اسلامی، سال نوزدهم، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۹۷.

۱۰- تدین، عباس (۱۳۸۷). نظریه بطلان دلیل در فرآیند دادرسی کیفری (با تاکید بر حقوق فرانسه)، مجله تحقیقات حقوقی آزاد، بهار و تابستان ۱۳۸۷، شماره ۳.

۱۱- داورنیا، رحیم (۱۳۸۵). مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایتالیا، فرانسه، ایالات متحده امریکا و ایران، فصلنامه حقوق: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، زمستان ۱۳۸۵، شماره ۷۴.

۱۲- رضوی، محمد- خزایی، سید علی (۱۳۸۷). حقوق شهروندی در فرآیند کشف جرم، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، ۱۳۸۷، شماره ۴.

۱۳- روشن، محمد- بیرانوند، رضا- یار احمدی، حسین (۱۳۹۳). حقوق شهروندی، پیشینه و جایگاه آن در مناسبات پلیس، مجله بصیرت و تربیت اسلامی، سال یازدهم، پاییز ۱۳۹۳، شماره ۳۰.

۱۴- سروی مقدم، مصطفی (۱۳۸۳). مروری بر تفاوت تابعیت، شهروندی و دیگر واژگان مشابه در حقوق ایران، بریتانیا، آمریکا و فرانسه، فصلنامه مدرس علوم انسانی، سال هشتم، پاییز ۱۳۸۳، شماره ۳.